

ایران

و

قضیه ایران

تألیف

جرج . ن . لرد گوردن

ترجمه

غ . وحید مازندرانی

منظور از انتشار مجموعه ایران شناسی این است
که آثار برگزیده‌ای که به زبانی غیر از زبان فارسی درباره
ایران و ایرانیان نوشته شده در دسترس فارسی زبانان
قرار گیرد .

این مجموعه گذشته از آثار خاور شناسان شامل
سفرنامه سیاحانی که اثر سودمند درباره ایران بجا گذاشته‌اند
و همچنین آثار مورخان و نویسندگانی که گوشه ای از
احوال مردم این کشور را باز نموده‌اند خواهد بود .
امید می‌رود که انتشار این گونه آثار کار استفاده
از تحقیقات ایران شناسان را آسان تر کند و موجب توسعه
آشنائی با تاریخ و فرهنگ و هنر و ادبیات ایران و
سرگذشت بزرگان آن گردد . ا . ی .

فهرست مندرجات

موضوع	صفحه
مقدمه مترجم	۱
دیباجه مؤلف	۷
فصل اول : پیش گفتار	۱۷
» دوم : راهها و اسباب سفر	۶۰
» سوم : از لندن به عشق آباد	۱۰۱
» چهارم : منطقه ماوراء دریای خزر	۱۱۶
» پنجم : از عشق آباد به قوچان	۱۳۷
» ششم : از قوچان به کلات نادری	۱۶۹
» هفتم : مشهد	۲۱۱
» هشتم : سیاست و تجارت خراسان	۲۴۴
» نهم : مسئله سیستان	۳۰۲
» دهم : از مشهد به تهران	۳۳۰
» یازدهم : تهران	۳۹۸
» دوازدهم : ولایات شمالی	۴۶۷
» سیزدهم : پادشاه - خاندان شاهی - وزیران	۵۱۲
» چهاردهم : حکومت	۵۶۵
» پانزدهم : تأسیسات و اصلاحات	۶۰۲
» شانزدهم : ایالات شمال غرب و غربی	۶۵۵
» هفدهم : قشون	۷۲۴
» هجدهم : خط آهن	۷۷۹
فهرست اعلام	۸۱۱

مقدمه مترجم

این کتاب در باب جغرافیا و تاریخ و سیاست ایران و شامل هزار و یک نکته است که برآستی خواندنی است. تردیدی نیست که خوانندگان هوشمند عنوان این کتاب و یا لااقل نام نویسنده آنرا شنیده‌اند. مترجم که با یک یک کلمات هزار و چهار صد صفحه این دو مجلد سروکار داشته و برای درک نکته‌ها و مضامین آن از صرف وقت و دقت فروگذار ننموده است جرأت اظهار این نظر را دارد که با همه طنز و کنایه‌هایی که مؤلف نسبت به ایرانیان آورده، پاره‌ای اظهار نظرهای منصفانه نیز دارد، از جمله در فصل آخر نوشته است: «ایرانیان که قوم و مردمی ممتازند و در سرزمین خود از روزگاران بسیار دراز شهریاری و زبان و دین و آداب و شخصیت خاص به خود داشته‌اند، دلیلی ندارد آزادی خویش را از دست بدهند و فرمان دولتی بیگانه را گردن نهند.» و باز در همین فصل مینویسد: «در نزد شاه و قسمت عمده اتباع وی، انگلیسی‌ها افرادی خوش‌وجهه بشمار می‌روند مگر هنگامی که در گفتار خود لحن ناروا نشان بدهند که آن در نظر مردمی با آداب که به تاریخ خود غرور می‌ورزند و از وقار فطری نیز برخوردارند لابد نفرت‌انگیز است.»

کسانی که با حوصله کافی به خواندن این دو مجلد همت می‌گارند ملاحظه خواهند کرد که در فصل‌های سی‌گانه کتاب، شاید نکته و مطلبی راجع به وضع و حال کشور ما خاصه در قرن گذشته نیست که نویسنده دقیق از بررسی

و بعضی در باره آن صورت نظر کرده باشند و از این جهت می‌توانست که خود در بعضی
امور که در زمینه ایران سیاسی و اجتماعی پدید آورده است و علاوه بر این
کتاب بسیار ممتاز و از لحاظ ادبی انگلیسی از بی‌ارزشی و عامی است و مستحق
چرچل، در کتاب «نویسنده‌گان ویراست معاصر» خود «ایران» را از حیث
الهیات، لایم و لغات و زین که در این کتاب به کار رفته است نیک ستوده است.

شاید علاوه بر این که استفسار شد پس چگونه جایی از دست می‌دهد
تا نون به زبان فارسی در نیامده بوده است. این پیش آمده به نظر می‌رسد که
دلیل داشته است: یکی آنکه در زمان انتشار این کتاب (تقریباً نود سال پیش) و
مدتها بعد از آن، ترجمه آثار سنگین خارجی به زبان فارسی هنوز در ایران معهود
نشده بود، ولی در همان نیمه آخر قرن نوزدهم نیز به دستور شاه سلسله
(حسینقلی خان مافی) والی فارس این کتاب بوسیله میرزا محمد باقر که
دارالفنون تهران در سال ۱۳۱۱ هجری قمری در شیراز بطور حبسی به نظر ترجمه
شد. اما آن کار سبب خاص داشته است به این معنی که بانی ترجمه در سفر
مسافرت کرزن به ایران و رفتن او به خوزستان در شوشتر وانی بوده و در حین همین
سفر بین مسافر مغرور و میزبان مأمور بر خورد نامساعد مختصری روی داده بود
و شاید سرکار والی میخواست است از عطف و اشاره‌های احتمالی مؤلف در سطرده
او مستحضر شده باشد. ولی این ترجمه آزاد که فقط نسخه خطی جداگانه
در کتابخانه مجلس شورای ملی موجود است بنظر این جانب در خور اعتماد نیست
و تنها از جهت شیوه ترجمه و تحریر متداول آن دوره شاید قابل توجه باشد.

دلیل دیگر ظاهراً این بوده است که تقریباً سی سال بعد از انتشار کتابچه
نویسنده ابتدا کفیل و سپس وزیر امور خارجه بریتانیا و پنج سال در آن مقام دومی
وطی آن با وجود درخواست ناشران از موافقت با تجدید چاپ امتناع ورزیده و از آنرو
تا دو سال پیش که طبع دوم این کتاب را در لندن انتشار داده همواره بسیار
کمیاب و دور از دسترس همه کس بود. علت دیگر هم شاید این باشد که طبع

بر بیست سال قبل ترجمه بسیار مجملی تحت عنوان « جهانگردی کرزن در ایران » در تهران طبع و نشر شده بود و از قرار معلوم همین نام و نشان برای انصراف دیگر نویسندگان کافی نمود . اما نباید گفت این کتاب را که در باب ایران شناسی قدر و مقام ممتاز دارد و در ادبیات انگلیس هم اثری برجسته بشمار آمده لرد کرزن معروف نوشته است ، بلکه در حقیقت جرج ناتانیل کرزن جوان سی و دو ساله‌ای که تازه از سفر شش ماهه خود در ایران بازگشته بود ، و فقط عضویت مجلس مبعوثان را داشت نگاشته است .

سه تن از نویسندگان شرح حالش ^۱ زندگانی کرزن را کم و بیش سه دوره متمایز تقسیم کرده‌اند ، نخست از تاریخ تولد (ژانویه ۱۸۵۹) تا ۳۹ سالگی که وی نایب‌السلطنه هندوستان و جوانترین سیاستمداری بود که حائز آن مقام شد . کتاب حاضر جزو آثار این دوره از زندگانی اوست که میتوان بشرح ذیل خلاصه نمود :

جرج ناتانیل کرزن اولین فرزند یازده گانه پدر و مادر خود بود . مادرش او را با نهایت سختی زائید و سه روز در زایمانش درد کشید . این ماجرا در روح مادر اثر گذاشت و تا پایان عمر این فرزند را بد میداشت . این رفتار مادر در سیرت و اخلاق فرزند بزرگ سرب‌ی اثر نبود ، و حتی نوشته‌اند که در رفتارش نسبت به دیگران خاصه زنان تأثیر نمود . از هفت سالگی جرج زیر دست پرستار بد سرشتی افتاد . این بانو در کار تربیت او و خواهرانش اختیارات تمام داشت و نسبت به کودکان سخت گیری بسیار میکرد . پس این پیش آمد هم در روح او اثری ناگوار گذاشت . عجب تر آنکه جرج در مدرسه نیز گرفتار مربی خشنی شد ، و سرنوشت باز او را دچار حقد و کینه ساخت و اثرات سوء قدرت نمائی و بدمنصبی این مربی در ذهن او راسخ گردید . اما با همه این ناکامیها و گرفتاریهای خانه و مدرسه وی

۱ - لرد راندلشی (Lord Ronald Shea) ، هارولد نیکلسن (Harold Nicolson) ، رابرت موزلی (Robert Mozley) .

شاگردی بسیار کاری و ممتاز بود و چندین بار جایزه و امتیاز گرفت. در دروس و بخصوص انشاءنویسی استعداد فراوان نشان داد. سپس برسم خانواده‌های اشرافی به کالج « ایتن » وارد شد، و مدارج ترقی را از آنجا پی در پی پیمود. ولی پدر و مادرش حتی در جشنهای کالج بدیدن فرزند نمیرفتند و از او تشویق و حمایتی نمی‌نمودند.

کرزن از همان اوان جوانی خود را برتر از دیگران میپنداشت و سودای ریاست و رهبری داشت. در کالج همیشه شاگرد اول بود و در سراسر دوران تحصیلی بیش از شاگردان دیگر جایزه ربود. در هجده سالگی سرپرستی چند گروه از دانشجویان را برعهده داشت و از همین موقع آثار نبوغ جوان خود ساخته رفته رفته نمایان میگردد.

در سال ۱۸۷۸ به دانشگاه اکسفورد رفت و هنگام این دوره تحصیلی وقتی نزد پدر و مادر به خانه اجدادی (در داری‌شایر ولایت مرکزی انگلستان) رفته بود، در حین سواری از اسب فرو افتاد و به ستون فقراتش آسیب شدید رسید. هر چند ظاهراً معالجه شد اما تا پایان عمر از این درد مینالید و این ناخوشی در کار و زندگی او اثرات ناگوار نمود.

جرج کرزن در سفر و در حضر همواره سرگرم نوشتن و از اوان جوانی به فضل و ادب مشهور بود و از این رو عالیترین جایزه ادبی دانشگاه اکسفورد بمناسبت مقاله‌ای که در باب بیت المقدس نوشته بود نصیب او گردید.

مینویسند از ۲۴ سالگی کرزن قامت و چهره دلپذیر یافت و در همه جا مورد توجه زنان بود و به محافل ادبی رفت و آمد داشت. در سال ۱۸۸۴ جایزه دیگری را در مسابقه تاریخ نویسی دانشگاه اکسفورد برد و انگشت نما شد و از کار و رفتار او آثار برتری و سروری نمودار بود. در این دوره توجه زعمای حزب محافظه کار را جلب کرد.

در سال ۱۸۸۶ به عضویت مجلس مبعوثان منتخب گردید. سپس به سفر دور دنیا رفت و طی همین مسافرت بود که نام شرق نزدیک در ذهنش نقش بست.

سه سال بعد با عنوان خبرنگار روزنامه تألیف به ایران آمد، در بازگشت به مطالعات وسیعی در باب کشورها پرداخت و در ۱۳۰۴ سالگی به تحریر این دو مجلد مشغول شد و میگوید به ماه شب و روز را در خانه حیرتی که در حوضه لندن اجاره کرده بود صرف کار این تألیف نمود. یکسال قبل از آن هم در مراجعت از سفر آسیای مرکزی کتابی راجع به این موضوع نوشته بود که بر شهرت و آوازه او بسیار بیفزود. در حین نگارش کتاب ایران، لرد سالزیبوری مقام معاونت دیوان هند را باو داد (۱۸۹۱) و نوشته اند که شرط احراز آن سمت را این پیشنهاد قرار داد که وی در کتاب خود از حیات لادم و شدت انتقاد بکاهد، ولی خود او در مقدمه مینویسد که در آن موقع جلد دوم تا نیمه چاپ شده بود. این کتاب را جراید زمان اثر بزرگی درباره ایران بشمار آوردند و هنگامی که در سال ۱۸۹۳ انتشار یافت دوستانش ستایشها نمودند و از جمله تلمس هاردی شاعر و نویسنده انگلیسی از این تألیف نیک تعریف کرد و باو نوشت: «شاهکار تو و تتبعات تو، مایه انفعال دیگر دانشمندان ما شده است».

کرزن در دوره وزارت خارجه لرد سالزیبوری معاون او و مهرداد سلطنتی شد. این مقام ثانوی در آن سن و سال جوانی قبلاً نصیب کسی نشده بود. در این ایام وی کتاب «برزهای هندوستان» را نوشت و با اینکه داستان عشقی او با زنی زیبا و هنرمند انگلیسی بر سر زبانها افتاده بود، در واشنگتن با دختری امریکائی از خانوادهای ثروتمند ازدواج کرد و در ۳۹ سالگی با احراز عنوان لرد از جانب ملکه ویکتوریا جوانترین نایب السلطنه هندوستان شد.

تا اینجا دوره اول زندگی او تمام میشود که چون با کار تألیف این کتاب ارتباط داشته ذکر اجمالی آن ضرور نموده است. دو دوره دیگر زندگی او داستانهای شگفت و گاهی غم انگیز فراوان دارد که شاید شرح آن در این مقدمه لازم نباشد. در خاتمه باید افزود که کرزن به دو آرزوی عمر خود رسید، یکی با وجود دوبار ازدواج فرزندی پسر نصیب او نگردید، دیگر آنکه از احراز مقام

صدارت که عالی‌ترین هدف زندگانی او شده بود باز ماند و در واقع دل شکسته و ناکام در ۶۴ سالگی بسال ۱۹۲۵ میلادی درگذشت.

ترجمه دومجلد این کتاب حاصل بیش از یک سال و نیم کار تقریباً شبانه‌روزی است، کاری که به تصدیق اهل نظر نسبتاً دشوار بود و بعضی اوقات طاقت‌فرسا می‌نمود و این سختی و دشواری هم نه از آن جهت بوده است که نویسنده جوانی جویای نام کتابی سنگین حاوی صدها اسامی اعلام توأم با مضامین و عباراتی حتی به زبانهای لاتین و یونانی تألیف نموده بلکه ضمناً بر آن سر بوده‌است که این اثر وزین را نشانه نبوغ ادبی و سیاسی خود عرضه کرده باشد. با آنکه مترجم عزم و علاقه تام داشته است که در این کار شرط درستی و امانت راهمواره رعایت نماید و برای احراز مقصود خویش نیز از بررسی چند کتاب معتبر فارسی و یا استفسار نظر ارباب فضل فروگذار ننموده است، باز اگر در پاره‌ای فصلها خطا و قصوری ملاحظه شود از خواننده هوشمند انتظار عفو و عنایت اصلاح دارد که در این کار شعار مترجم این بیت نغز خواجه حافظ شیرازی بوده است.

قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند
بس خجالت که از این حاصل اوقات پریم

وحید مازندرانی

تهران - اردیبهشت ۱۳۴۷

دیباچه

این کتاب که نتیجه سه سال کار تقریباً بی انقطاع و مسافرتی هم به مدت شش ماه در سرزمین ایران و سفری قبلی به نواحی همجوار آن و از آن پس نیز ادامه مکاتبات با مقامات صاحب نظر مقیم آن کشور است به این امید و آن هم رجاء واثق انتشار می یابد که تا زمانی که اثری بهتر از این تألیف نشده باشد اثر استواری در زبان انگلیسی راجع به ایران باشد. وقتی که در پائیز ۱۸۸۹ به عنوان خبرنگار روزنامه تایمز به ایران رفتم منظور عاجل من این بوده است که طی نامه هایی که لزوماً از لحاظ تعداد و تفصیل محدود باشد شرح خلاصه ای درباره وضع سیاسی قلمرو شاه برای روزنامه مزبور فراهم سازم^۱ در ضمن از فرصت استفاده نموده اطلاعات اضافی فراوانی بدست آوردم که در آن مورد استفاده از آنها غیر مقدور و از این رو غیر ممکن بود نقایصی را که درباره ایران شناسی جدید وجود دارد و من در مطالعات قبلی بدان برخورده بودم برطرف سازم. بنابراین معلوماتی که بدان ترتیب و همچنین بعداً در اثر کاوشهای مداوم و مکاتبه فراهم آمده است مطالب دو مجلد این کتاب را تشکیل می دهد.

هنگامی که راجع به موضوع مورد نظر خود بررسی بیشتری نمودم به این حقیقت پی بردم که منابع اطلاعاتی ما در باب ایران بسیار ناقص است. با آنکه

۱ - این نامه ها که هفده تا بوده است به تناوب از نوامبر ۱۸۸۹ تا آوریل ۱۸۹۰ در روزنامه تایمز انتشار یافت.